

کربلا شعلهٔ لیس تطفی

بردم از کوفه تا شام غوغا... با خودم کربلای غمت را
حملتُ معی من الکوفة حتى الشام رزية کربلائک

بس که خون گریه کردم ز داغت ... لاله رویده صحرا به صحرا
بکیت من مصیبتک کثیرا حتی نامت زهرة التولیب فی کل الصحراء

آه، از چهل شب غربت آه، از چهل شب حسرت آه، از دل بی طاقت
آه من غربة أربعین لیلة ... آه من حسرة أربعین لیلة ... آه من فؤاد لا یصبر

(آه یاحیبی حسین)

الضحایا تُحاکی الضحایا: ... صَوَّبْتُ أُمْنِیَاتِی الْبِلاِیَا
قربانیان اسارت همچون قربانیان قتل و کشتار روز عاشورا هستند

[و زبان حال زینب کبری سلام الله علیها چنین است]: تیر بلاها آرزوهایم را دریده است.

وَارْتَوْتُ مِنْ شُحُوبِ الرَّزَاِیَا... وَأَعَمَّتْ حِیَاتِی الْمَنَاِیَا
غمها و مصیبت‌ها از دگرگونی رنگ چهره‌ام جان گرفتند ... و مرگ عزیزانم صفای زندگی‌ام را تیره کرده است

هَدَّتْ قِوَاِی السَّرِی ... أَلْهَمَ فِوَادِی صَبْرًا وَأَنْتَ فَوْقَ الثَّرِی
[ای حسین] راه رفتنم در شب توان مرا از بین برده ... به دل من صبر بده ... در حالی که تو خود بر روی خاک افتاده‌ای

(آه ... حیبی حسین)
آه ای حیب من ای حسین (ع)

کربلا شعلهٔ لیس تطفی لستُ أسطیعُ مولای وَصفا
کربلا شعله‌ای است که خاموش نمی‌شود ... مولای من، نمی‌توانم آنچه بر ما گذشت را برایت وصف کنم

عَصَفَ الْمَوْتُ بِالسَّبِیِّ عَصْفًا وَهُوَ نَبْعُ الْحِیَاةِ الْمُصَفَّى
طوفان مرگ بر فرزندان پیامبر هجوم آورد ... در حالی که او خود چشمه زلال زندگی است

یا مُفْرَدًا حَیْرَانَا ... یا من قضی عَطْشَانَا ... یا من بقی عُریَانَا

ای تنهایی که در کار خدا حیران مانده‌ای ... ای کسی که تشنه کام لحظات می‌گذرانی ... ای کسی که عریان بر روی خاک افتاده‌ای

(آه...حبیبی حسین)
آه ای حبیب من ای حسین (ع)

أهطلُ الدَّمْعَ عَيْمُ الْعِتَابِ ... حَانَ لِلْبَدْرِ وَقْتَ الْغِيَابِ
سرزنشش‌ها (و اندوه از دست دادن تو) اشک مرا جاری ساخت ... لحظه غروب مهتاب فرا رسیده است

هَيَّجَتْ لَوْعَتِي وَ انْتَحَابِي أَرْبَعِينَ مَضَّتْ بِالْعَذَابِ
چهل روزی که با عذاب و سختی سپری شد... عشق درون و اشک سوزانم را به غلیان در آورده است

نَحْنُ الْأَسَارَى جِنْنَا ... مِنْ بَعْدِ أَنْ سُبِينَا ... عُدْنَا فُقْمَ حَيِّنَا
ما اسیران آمده ایم ... پس از اینکه به اسارت درآمدیم ... اکنون بازگشته ایم پس برخیز و به ما خوش آمد بگو

(آه...حبیبی حسین)
آه ای محبوب من ای حسین (ع)

شعر فارسی: محمد مهدی سیار
شعر عربی: احمد حسن الحجیری از بحرین